

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

دکتر الهام خلیلی جهرمی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

دکتر شیرین رزمجو بختیاری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

مریم ایزدی**

چکیده

با بررسی یکی از سفینه‌های موجود نشان داده شده است که تصحیح دیوان سلطان ولد، یکی از بایسته‌های عرصه تحقیق و پژوهش به شمار می‌رود. در این پژوهش با اتکا به سفینه حالت افندی - که در مقاله به طور مفصل معرفی شده است - غزلی نویافته از دیوان سلطان ولد معرفی شد. هم‌چنین با استناد به نسخ معتبر دیوان سلطان ولد؛ غزلی دیگر معرفی شد که این دو غزل در دیوان سلطان ولد به تصحیح اصغر ربانی (حامد) با مقدمه سعید نفیسی نیامده است. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که سعید نفیسی، همان‌طور که در مقدمه اشاره کرده، دیوان سلطان ولد را تصحیح نکرده، بلکه تصحیح ربانی را در ایران چاپ کرده است. هم‌چنین ابیات فراوانی در این سفینه دیده می‌شود که از دیوان چاپی حذف شده است. در نهایت ذیل عنوان تصحیف «ک» و «گ» و سهوهای در تصحیح به اشتباهاتی شاره شده که در دیوان چاپی اتفاق افتاده است. با توجه به نقدهایی که به دیوان چاپی سلطان ولد به تصحیح اصغر ربانی (حامد) با مقدمه سعید نفیسی وارد است، لزوم تصحیح دوباره دیوان سلطان ولد بیش از پیش آشکار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: غزلیات سلطان ولد، تصحیح، جنگ حالت افندی، نسخ خطی.

۶۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۷ شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۲۳

*نویسنده مسئول: khalilijahromi115@yahoo

** دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

مقدمه

آشنایی ایرانیان با اشعار سلطان ولد تنها به مدد دیوانی است که به کوشش سعید نفیسی چاپ شده است. این دیوان در یک جلد تنظیم شده و شامل غزلیات، قصاید، ترکیبات، اشعار ترکی، اشعار عربی، مسمط و رباعیات است. این دیوان نزدیک به سیزده هزار بیت است و اشعاری به زبان ترکی و تازی در آن هست و گاهی کلمات یونانی نیز در آن به کار رفته است (سلطان ولد، مقدمه نفیسی، ۱۳۸۸: ۸). مولوی نیز در دیوان شمس اشعاری به عربی، ترکی و یونانی دارد که بعضی از محققان در مورد صحت انتساب آنها به مولوی تردید کرده‌اند.^۱

نفیسی دیوان سلطان ولد را تصحیح نکرده است، بلکه تصحیح اصغر ربانی (حامد) را در ایران چاپ کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته است. در مقدمه نیز نسخه‌ها معرفی نشده است. در توضیحاتی که در پایان کتاب از اصغر ربانی (حامد) نقل شده است درباره پیشینه تصحیح دیوان سلطان ولد چنین آمده است:

این کتاب نخستین بار در سال ۱۲۵۸ هجری قمری در اسلامبول به چاپ رسیده بود و با چند نسخه خطی که قریب به زمان مؤلف نوشته شده، مقابله گشته بود. اساس کار ما هم از روی همان نسخه است. تاریخ کتابت یکی از نسخه‌ها که در چاپ اسلامبول استفاده شده، ۷۱۲ است. اسلوب و ترتیب کتاب بکلی با چاپ اسلامبول فرق کرده است؛ زیرا ترتیب آن چاپ، که از روی بحور شعریه تنظیم ساخته بودند، مورد پسند نیفتاد؛ لذا به خود زحمت داده، کتاب را به ترتیب حروف الفبا منظم ساختم؛ نسخه بدلها را مطابق چاپ نخست با اسلوب بهتر در پاورقی آورده‌ام. (سلطان ولد، سخن مصحح کتاب، ۱۳۸۸: ص ۶۲۸-۶۳۰)

جالب است که سعید نفیسی نیز نسخه بدلها را همان طور که ربانی از چاپ اسلامبول آورده در پانویس با حروف اختصاری می‌آورد؛ ولی در مقدمه از این حروف اختصاری رمزگشایی نمی‌شود و اصلاً نسخه‌ها معرفی نشده است. سعید نفیسی چاپ اصغر ربانی را در ایران چاپ کرده و اصغر ربانی هم خود به تصحیح دیوان سلطان ولد مبادرت نورزیده، بلکه چاپ اسلامبول را از نو حروف چینی و چاپ کرده است. در این زمینه شفیع کدکنی می‌گوید:

هنوز تحقیق آکادمیک دقیقی درباره میراث معنوی و جایگاه عرفانی و شعری سلطان

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

ولد، ظاهراً انجام نگرفته است. گذشته از اهمیتی که شناخت عمیق دیوان او در پژوهشهای مرتبط با دیوان مولانا دارد، خود مستقلاً نیز یک متن گسترده شعر فارسی در قرن هفتم و آغاز قرن هشتم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳).

در مجموعه غزلیات مولانا جلال‌الدین بلخی، که به نام «کلیات شمس تبریز» در لکهنو برای بار سوم در ۱۳۳۵ چاپ شده است، ۲۷ غزل از غزلیات سلطان ولد، که تخلص وی را دارد، جزء غزلیات مولانا چاپ شده و پیداست نسخه‌ای از دیوان مولانا که برخی از غزلیات سلطان ولد با آن بوده به دست ناشر این کتاب افتاده و هنگامی که ترتیب اصل را به هم زده و غزلیات را به ترتیب هجا درآورده نادانسته غزلیات سلطان ولد را با آن درآمیخته است (سلطان ولد، مقدمه نفیسی، ۱۳۸۸: ۸). شفیعی کدکنی نیز می‌گوید: «بسیاری از زیباترین غزلهای دیوان شمس سروده سلطان ولد است و از دیوان او وارد دیوان کبیر مولانا شده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲).

در رساله سپهسالار و مناقب العارفین افلاکی به عنوان دو کتاب قدیمی وقایع‌نامه نویسی، ذکر سلطان ولد بسیار رفته‌است. افلاکی و سپهسالار هر دو از فرزند مولانا به همان لقب پدر و پدر بزرگش یاد می‌کردند؛ از جمله القاب تکریم‌آمیز دیگری که در این وقایع‌نامه‌ها به او نسبت داده‌اند، عبارت است از: سلطان المحققین، مظهر اسرار الیقین، ولی الله فی الأرض، حُجه الله علی الخلق، مُتمم دایره الولایه و خاتمهم، مالک اقالیم الحقیقه و حاکمهم. بنا به گفته افلاکی مولانا به سلطان ولد می‌گفت تو از هر کس دیگری به من مانده‌تری؛ هم از جهت خلقت و هم از جهت خلق و خوی: «انْ أَشْبَهُ النَّاسَ بِي خُلُقاً وَ خُلُقاً». مولانا به هر جمعی که برای سخن گفتن می‌رفت، او را کنار خود می‌نشاند. پدر و پسر درست هیجده سال باهم اختلاف سن داشتند و اغلب مردم ایشان را برادر می‌پنداشتند. مولانا نام و لقب پدر خود را بر این فرزند نهاد. اگر سال ۶۲۳ را سال تولد سلطان ولد بدانیم، احتمالاً هنگام درگذشت پدر بزرگش به سال ۶۲۸ حدود پنج سال داشته‌است (دی لویس، ۱۳۸۵: ۳۰۱).

سپهسالار در ذکر خلافت سلطان ولد می‌نویسد:

اخلاقی داشت مساوی بر خاص و عام، آشنا و بیگانه، بزرگ و کوچک. چون مدّت عمرش به نود و شش سال رسید در مزاج شریفش تکسری روی نمود و روزی چند

صاحب فراش گشت و حضرت چلبی عارف - که فرزند مهین بود - بخواند و به کنار گرفت و اصحاب و عزیزان و مریدان را به ودیعت داد. آن شب که به جوار ربّ رحیم و ملک کریم ملحق خواست شدن، خانه از اغیار خالی فرمود و چون پاسی از شب گذشت، بنشست و فرمود که خداوندگار و مولانا شمس الدین و اولیاء الله تمامت آورده‌اند و انتظار من می‌کنند. باید که بر فوت من جزع نکنند و به تقریر حقایق مشغول شد و به ذکر ربّ‌الخلایق تقرّب جست. در میان ذکر آخر شب روز شنبه دهم ماه رجب سنه ۷۱۲ اثنی عشر و سعمائه در فرادیس قدس و ریاض انس استقرار کرد و در پرده نور مستور شد (سپهسالار، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۷).

در مناقب العارفین افلاکی نیز درباره سلطان ولد حکایات فراوان آمده‌است. در مناقب، مبالغه و غلو از رساله سپهسالار بسیار بیشتر است؛ برای مثال داستانی می‌آورد درباره سلطان ولد و ساختن آرامگاه برای مولوی که خالی از اغراق نیست (ر.ک افلاکی، ج ۲، ۷۹۱)؛ اما همه‌جا این نگاه مبالغه‌آمیز به سلطان ولد دیده نمی‌شود و اطلاعات مفیدی درباره سلطان ولد و مولوی برای خواننده عرضه می‌کند. در مناقب آمده‌است که روزی حضرت والد، ولد خود را نوازش می‌فرمود و می‌گفت که بهاء‌الدین، آمدن من به این عالم جهت ظهور تو بود؛ چه این همه سخنان من قول منست، تو فعل منی (همان). این نگاه هنری به رابطه سلطان ولد و مولوی نشان‌می‌دهد که سلطان ولد یکی از شخصیت‌هایی است که برای شناخت مولوی، باید به آثار او نیز توجه بسیار کرد؛ اما متأسفانه آثار او چنانکه باید مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته‌است.

در مقاله‌ای با عنوان «سلطان ولد و خلافت او پس از مولانا» که در مجله مطالعات عرفانی چاپ شده درباره سلطان ولد آمده‌است که سلطان‌ولد، کاردان بود؛ به سه زبان فارسی، عربی، و ترکی تسلط داشت و در ضمن فرزند مولانایی بود که آوازه‌اش بسی دورتر از دروازه‌های قونیه را فتح کرده بود و بلافاصله پس از به خلافت رسیدن با فرستادن نواب و خلفا به اقصا نقاط روم و آسیای صغیر، بیش از پیش توجه مردم را به جانب قونیه و آرامگاه مولانا جلب کرد (موسوی، حجت‌الاسلامی، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

سلطان ولد همانند مولانا مثنوی سروده؛ غزل گفته و خطابه‌هایش در کتابی مستقل گردآوری شده‌است. ابتدا به متابعت از مولانا غزل و قصیده گفته و دیوانی ساخته‌است؛

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

سپس سه مثنوی عرفانی به نامهای ولدنامه (ابتدنامه)، ربابنامه و انتهانامه سروده که به گفته خود، آنرا به خواهش همان هواداران و مریدان معروفش به نظم آورده است و درخواست آنها را پاسخ داده است که گفته بودند: «چون به متابعت مولانا دیوانی ساختی در مثنوی نیز متابعت لازم است» (سلطان ولد، ۱۳۱۶: ۳).

سلطان ولد، دیوان را نخستین اثر خود می‌داند؛ اما شاید تا آخر عمر پیوسته بر اشعار آن افزوده باشد. در نسخه‌ای خطی، دارای عنوان مناظره مولانا با سلطان ولد، دست کم ۳۵۰ غزل از سلطان ولد را اختیار کرده که مستقیماً به تقلید غزلهای خاصی از مولانا سروده شده است. دیوان سلطان ولد شامل ۹۲۵ غزل و قصیده و ۴۵۵ رباعی و کل اشعار آن ۱۲۵۰۰ بیت است. سلطان ولد برای ساختن اشعار دیوان خود ۲۹ وزن استفاده کرده، نه شعر به عربی، پانزده شعر به ترکی و بقیه را به زبان فارسی سروده است. بسامد وزنهای دیوان سلطان ولد نیز مانند دیوان شمس قابل توجه است، از لحاظ تعداد زبانهای به کار رفته در دیوان نیز با دیوان شمس بی‌شبهت نیست. مولوی نیز اشعاری به زبان ترکی، عربی، یونانی و فارسی دارد.

سلطان ولد، گذشته از اشعار خود، شهرت خطیب و واعظی توانا را به دست آورد. مجموعه پنجاه و شش فصلی مجالس و تقریرات سلطان ولد نشان می‌دهد که او بر سر منبر به عباراتی ساده و بی‌تکلف و به زبانی گرم و گیرا سخن می‌رانده و با اینکه از فیه ما فیه پدر تقلید کرده، نام کتاب نیای خود یعنی معارف را بر آن نهاده است. افزون بر این کتابها، چند اثر دیگر نیز به سلطان ولد انتساب یافته است؛ چون عشقنامه، تراشنامه، رساله اعتقاد و ... که از مجعولات است (دی لوئیس، ۱۳۸۵: ۳۱۰-۳۱۵).

درباره سلطان ولد، زندگی و مقایسه اشعار او با مولوی مقالات متعددی نوشته شده است که به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد؛ برای نمونه در مقاله عالمانه استاد شفیع کدکنی با عنوان «ویژگیهای عروضی دیوان سلطان ولد» پس از متذکر شدن این نکته که هنوز تحقیق علمی و دقیقی درباره میراث معنوی و جایگاه عرفانی و شعری سلطان ولد انجام نگرفته است به یک ویژگی آوایی موسیقایی سلطان ولد اشاره کرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۸).

مجید آقاخان پور سرخاب در مجله آینه میراث، مقاله‌ای با عنوان «رمز گشایی از یک نسخه خطی» دارد. در این مقاله در مورد نسخه خطی دقایق الحقایق کتابخانه ملی تبریز نوشته که این نسخه همان دقایق الحقایق شیخ احمد رومی است که به اشتباه به سلطان

ولد فرزند مولوی نسبت داده شده است (پورسرخاب، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

مصطفی موسوی و ریحانه حجت الاسلامی در مقاله «سلطان ولد و خلافت او پس از مولانا» با توجه به منابعی چون رساله سپهسالار، مناقب العارفین و آثار سلطان ولد به بررسی حیات و زندگی سلطان ولد پرداخته‌اند (موسوی و حجت الاسلامی: ۱۳۸۹: ۲۰۱). داوود واثقی، مهدی ملک ثابت و محمد کاظم کهدویی نیز در یک مقاله ۳۰ صفحه‌ای با عنوان «پژوهشی در مهمترین مفاهیم عرفانی معارف سلطان ولد با نگاهی به اندیشه‌های مولوی» به بررسی همانندیه‌های اندیشگانی سلطان ولد و مولوی پرداخته‌اند (واثقی، ثابت و کهدویی: ۱۳۹۵: ۱۴۸).

تاکنون درباره دیوان سلطان ولد با مقدمه سعید نفیسی و بررسی نسخ خطی دیوان سلطان ولد و بویژه سفینه حالت افندی به طور مفصل مقاله‌ای نوشته شده است. در این پژوهش پس از بررسی سفینه‌ای معتبر و اصیل از اشعار مولوی و سلطان ولد و با توجه به دو نسخه خطی دیوان سلطان ولد به شماره ۵۵۲ و ۵۶۰، که هر دو در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، اشعار سلطان ولد و نقد دیوان چاپی وی بررسی، و نتایج مطالعه این نسخ با آوردن غزل‌های نویافته، ابیات نویافته و تصحیح دوباره دوازده بیت از سلطان ولد (در ذیل دو عنوان تصحیف و سهو در تصحیح) بیان شده است.

۱. توصیف سفینه حالت افندی

سفینه حالت افندی در برگرفته غزلیاتی از مولوی، سنایی، سعدی و سلطان ولد است. غزلیات مولوی این نسخه از نظر قدمت و اعتبار بسیار قابل توجه و با نسخ اصیل (قره حصار، قونیه و اسعد افندی) همخوان است. غزل‌های سلطان ولد نیز با همین دقت و توجه کتابت شده است. پس از بررسی این نسخه نکاتی یافت شد که در این مقاله ذیل عناوین غزل‌های افتاده و ابیات افتاده بدان به تفصیل پرداخته شده است.

محل نگهداری	اصل	شماره	برگ/سطر	تاریخ	تعداد ابیات	نوع	علامت اختصاری
دانشگاه تهران	حالت افندی	۵۵۸الف	۱۹/۴۰۲	۷۱۷	۶۹۴۸	وزنی- الفبایی	جن

این سفینه منتخبی از دیوان مولانا و پسرش، سلطان ولد است که فیلم آن به شماره ۵۵۸ در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. شامل ۲۰۱ برگ ۱۹ سطر ۲

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

ستونی است. خط این جنگ، نسخ است و ترتیب قرار گرفتن غزلها وزنی - الفبایی است. سفینه با بیت زیر آغاز می‌شود:

ریگ ز آب سیر شد من نشدم زهی زهی لایق خرکمان من نیست دراین جهان زهی
ظاهراً این غزل تیمناً و تبرکاً پس از مقدمه‌ای به زبان عربی آمده است؛ زیرا
وزن آن نیز با غزلهای بعدی متفاوت، و از نظر الفبایی نیز حرف روی رعایت
نشده است. بعد از این غزل، غزل «من از کجا غم و شادی این جهان ز کجا...»
آمده و تا پایان روند وزنی و الفبایی آن حفظ شده است.

از برگ نخست تا برگ ۱۰۴، غزلهای مولوی و از ۱۰۵ تا ۱۰۸ غزلهای
سنایی و سعدی آمده و از برگ ۱۰۹ تا برگ ۱۹۷ غزلهای سلطان ولد و از
برگ ۱۹۷ به بعد رباعیات نوشته شده است. صفحاتی که به غزلهای سنایی و
سعدی مربوط است با خطی کاملاً متفاوت با بقیه نسخه نوشته شده و احتمالاً
الحاقی است. غزلها با عبارات «قدس الله سره» و «قدس الله روحه العزیز» از
یکدیگر جدا شده است. این نسخه ترقیمه دارد. متن ترقیمه چنین است: «تمام
نشته شد این دیوان معنوی، اسرار رموز جانی در آخر ماه مبارک ربیع‌الاول
تاریخ سال هفده و هفصد.» در آغاز غزلها نیز مقدمه‌ای دارد که متن آن چنین
است:

من کلام فخر الانام کنز الحقایق مبین الدقایق منشی الدیوان العرفان خلیفه الرحمان
علی جمیع الانسان قاصد البیان آیه الغفران الواصل الی الله تعالی امین الاله جلال
الکمال و کمال الجلال شمس سموات الکرامه مولانا و سیدنا و سندنا و مرشدنا و
منور قلوبنا و مشرّح صدورنا و میسر فی طلب المعارف امورنا جلال الحق و المله
و الدین سلطان الاولیا و العارفین زبده الاولین و خلاصه الاخرین قدس الله روحه
العزیز و سره الکریم (حالت افندی، ص ۳).

ضبط‌های این نسخه قابل اعتماد و راهگشاست. این نسخه در حکم سفینه
است؛ اما حجم قابل ملاحظه‌ای از غزلهای مولوی و سلطان ولد را دربردارد.
تعداد ابیات غزلیات سلطان ولد ۳۱۸۹ است. قسمت اشعار سلطان ولد با بیت
زیر آغاز می‌شود:


چه خواهیم کرد من نقش جهان را چو دیدم در درون ملک نهان را

(حالت افندی، ص ۱۰۹)

مقدمه بخشی که غزلهای سلطان ولد در آن آمده، چنین است:

هذا بستان الأذواق و اسرار الملك الخلاق من كلام مولانا و سيدنا و سندنا سلطان المحققين، خلاصة ارباب و اليقين، وارث الأنبياء و المرسلين، حجة الحق على الخلق، قطب الأقطاب و لبّ الألباب، نور عيون الأحباب مولانا بها الملة و الحق و الدين. متع الله العاشقين و العارفين و الطالبين بافاضه نوره، آمين يا رب العالمين (حالت افندی، ص ۱۰۹).

۱-۱ رسم الخطّ سفینه «حالت افندی»

در نسخه مورد بحث، حرف «گ» به صورت «ک» نوشته شده است. «د» به صورت «ذ» نوشته شده است در کلماتی مانند «کنذ» «شدذ»، «بریدذ» و... «ه‌ای» به صورت «ه» نوشته شده است: فسرده، غصه، گرفته و... «به» حرف اضافه به کلمات بعد از خود متصل نوشته شده است: بجان، بوقت و... «ها» جمع سرهم نوشته می‌شود: رنگها، جانها، زمانها و... «را» مفعولی سرهم و برخی موارد جدا نوشته شده است: آنرا، ترا، فرشتگان را و... علامت «» بر روی «آ» گاه آمده اما در اغلب موارد نیامده است. «می» فعل هم سرهم و هم جدا نوشته می‌شود: میشوم، می‌رو و... «ای» منادا معمولاً جدا نوشته می‌شود: ای آنک، ای ننگ و... «چون‌که»، «آن‌که» و «آن‌کس» به صورت «چونک»، «آنک»، «آنکس» نوشته شده است.

۲. غزل افتاده

در نسخه حالت افندی، غزلی از سلطان ولد نقل شده است که در دیوان سلطان ولد چاپ سعید نفیسی وجود ندارد. این غزل به لحاظ سبک، زبان و تعبیرات به کار رفته می‌تواند از سلطان ولد باشد. مطلع این غزل چنین است: «گشتم چون گه گران ضرب سبکتر بزن»؛ این غزل در برگ ۳۴۴ از نسخه حالت افندی آمده است و ۱۳ بیت دارد. غزل ۵۴۱ چاپ سعید نفیسی با مطلع «ضرب گرانت این ضرب سبکتر بزن/ خشک لبم از فراق پرده ما تر بزن» غزل دیگری است از سلطان ولد که تنها مطلع غزل شبیه مطلع غزل مورد بحث ماست (نفیسی، ۱۳۳۸: ۲۹۸). این شیوه در غزلیات مولوی نیز رایج است که غزلهایی با مطلع‌های یکسان اما ابیات متفاوت سروده می‌شود. متن غزل در ادامه به صورت کامل نقل شده است:

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

گشتم چون که گران ضرب سبکتر بزن
عیسی جان را بده قوت تو از آسمان
۳ نقد عیار درون آمد از کان برون
رستم لشکر تویی بگلر و سرور تویی
شادی اسلام را کوری این کافران
۶ ای پسر از غازی گردن مؤمن مبر
همچو خلیل ای پسر هین ز حجب
پر شد باغ صفا از بر بی منتها
۹ جنت و حوران جان روی نمود این زمان
آب و گل جسم را ترک کن آنگه در آ
ز آن همه گنج گهر نیست جوی کیسه
۱۲ پیش شهان سر بنه، عجز نما پر بنه
سوی سما ای ولد با ملک بی عدد
(حالت افندی، ص ۳۴۴)

یکی از فواید مطالعه جنگها و سفینه‌های خطی، بویژه نسخی که به زمان حیات شاعر نزدیک است، یافتن اشعاری است که ممکن است در نسخ خطی قرون بعدی از دیوان حذف شده باشد و بدین وسیله می‌توان آن اشعار را بازیابی و معرفی کرد. این غزل از جمله غزلهایی است که در دیوان چاپ نفیسی نیامده بود.

البته با دقت در نسخ دیگر سلطان ولد از این افتادگی غزلها باز دیده می‌شود؛ برای مثال در دو نسخه از دیوان سلطان ولد به شماره ۵۶۰ و ۵۵۲، که در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، غزلی آمده است که از دیوان سلطان ولد، چاپ سعید نفیسی افتاده است. استاد مجتبی مینوی بر صفحه نخست نسخه ۵۵۲ مرقوم فرمودند که نسخه متعلق به زمان حیات شاعر است. نسخه ۵۶۰ ترقیمه دارد و تاریخ کتابت آن در ترقیمه واضح نیست ولی کلمه سنه و سبع مائه واضح است، استاد مینوی این نسخه را مورخ ۷۲۲ دانسته‌اند. مصراع نخست غزل یعنی «آمد شهر صیام سنجق سلطان رسید» با مصراع نخست غزلی از مولوی یکی است؛ ولی بقیه ابیات آن متفاوت است. به نظر



می‌رسد همین امر موجب گمراهی مصححان شده‌است که با دیدن مصراع نخست تصوّر کرده‌اند که این غزل از آن مولوی است نه سلطان ولد. متن غزل در ادامه به صورت کامل نقل شده‌است:

- | | |
|---|--|
| ۱ آمد شهر صیام سنجق سلطان رسید | لشکر انوار جان کوری شیطان رسید |
| بست در آب و نان، روز و به شب کرد باز | چون به پیمبر ز حق آیت و فرمان رسید |
| ۳ فرج و گلو بسته شد دیو لعین کشته ^۱ شد | ذکر و نماز و دعا در عوض آن رسید |
| فرج و گلو می‌برد جمله سال آب تو ^۲ | خیز که در کشت دل آب فراوان رسید |
| ۵ داد جهان بُردنت رخت تو را می‌برد | تا نبرد باقیش روزه نگهبان رسید |
| ماه بزرگ است این رحمت صرفست | در وی از لوح جان هدیه قرآن رسید |
| هست در این مه نهران آن شب قدری که | به ز هزاران مه‌است پیش تو مهمان |
| ۷ چُست میان را بُبند خدمت مهمان گزین | کان دُر سنگی بها در کفت ارزان رسید |
| ماه که روزش همه تا به شبان | شام چو دستوری ست کان به غلامان |
| ۹ روزه چو اکسیر دان جمله ابدان چو | کار بدن زر شود چون که بر ابدان رسید ^۵ |
| عید رسد خلعتت از بر شه کای غلام | روزه گشا بعد از این چون ز منت خوان |
| زاین سپس ای بندهام خوش بخور و | هرچه به امرم کنی نور رضا زآن رسید |
| ۱۱ خوردن و خفتن تو را کشت چو ذکر و | فرق مکن چون برآن امر ز یزدان رسید |
| چون نخوری روز عید باشد روزات | امر به جا آر زود چون که ز رحمان رسید |
| ۱۳ همچو که مردان احد جوی رضای احد | بیش خلافی مکن ^۷ عمر به پایان رسید |

(نسخه خطی ۵۵۲، ص ۲۳ و نسخه خطی شماره ۵۶۰، ص ۳۶)

این غزل براساس نسخه ۵۵۲ نوشته شده‌است که به اختلاف آن با نسخه ۵۶۰ اینک اشاره می‌شود:

- ۱- خسته؛ ۲- از رخ جان آبرو؛ ۳- این بیت تنها در نسخه ۵۶۰ نیامده‌است؛ ۴- بند هین؛ ۵- این بیت تنها در نسخه ۵۶۰ نیامده‌است؛ ۶- خوش بنوش؛ ۷- هم بطلب زاو مدد.

۳. ابیات افتاده

از برخی غزلهایی که سعید نفیسی چاپ کرده، بیت یا ابیاتی افتاده‌است. این ابیات افتاده

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

از سفینه حالت افندی استخراج، و در بافت غزل آورده شده است تا ارتباط معنایی آن با ابیات دیگر معلوم شود.

۳-۱ **گیر کنار و بوسه ده گلرخ مه جبینه را:** از این غزل ۱۱ بیتی دو بیت افتاده است. بیت نهم و یازدهم به این غزل اضافه شده است. زیر ابیات اضافه شده خط کشیده شده است. در جدول زیر شماره صفحه غزل در چاپ نفیسی و سفینه حالت افندی به همراه تعداد ابیات در هر کدام ذکر شده است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
گیر کنار و بوسه ده گلرخ مه جبینه را	۳۱	۱۱	۲۲۰	۱۳

گیر کنار،^۱ بوسه ده گلرخ مه جبینه را
 دلبر مشک زلف را، چشمه حسن و لطف را
 ۳ تابند از آن عقیق او، لؤلؤی پُر بریق او
 ای شه جمله شاهدان نیست چو تو در این جهان^۴
 دی تو^۶ به وصل وعده‌ها، داده بدی مرا مها
 ۶ ز آب دو چشم تر بین روی مرا در این حنین
 ساقی بزم او بیا، درده زود^۷ باده را
 بگذر^۹ از حرام و حل، کوزه و کاسه را مهل
 ۹ **جمع رنود را بده باده و باز کن گره**
 دیر بود مقام ما شاهد و باده کام ما
گفت رسول باهنر ماده تن است و عقل نر
 ۱۲ هست تنم سفینه‌ای بر سر موج بحر تو^{۱۱}
 گفت ولد دفین جان هست در این تنت^{۱۳} نهان

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۱۷۷) آمده است:

۱- نفیسی: هجر
 ۲- نفیسی: شیرینست

- ۳ - نفیسی: حیرتی دارم در عشق
 ۴ - نفیسی: رفت ز من خواب و خورم
 ۵ - نفیسی: روز و شب در حزنم
 ۶ - نفیسی: را می‌شکنم
 ۷ - نفیسی: نفسِ دنی
 ۸ - نفیسی: به سوی
 ۹ - نفیسی: سمنم
 ۱۰ - نفیسی: بنگر در لحد

۳-۲ جنت بنمود مرا روی خود از روزن دل: در نسخه حالت افندی دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است. بیت دهم و دوازدهم به این غزل اضافه شده است:

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
جنت بنمود مرا روی خود از روزن دل	۲۱۰	۱۱	۲۹۰	۱۳

جنت بنمود مرا روی خود از^۱ روزن دل
 سُرْمه شدم سُرْمه شدم^۲ بهر نظرهای نکو
 ۳ گر تو پی وصل وی‌ای شاخِ ترِ اصل وی‌ای
 زان که خدا گفت عیان هیچ ننگنجم به جهان
 نقش دل ار قطره بود، بحر در او ذره بود
 ۶ چشم سِر اره خُرد بود، چرخ و زمین را ببرد^۳
 دل ز کسی می نخورد، باشد مستیش ز خود
 نورِ دل ای نور طلب، نیست در این جسم چو شب
 ۹ دل که در او نور بود، جانش مسرور بود
ساقی او هر دم از او مطرب او بوده هم او
 گنج درون^۴ هست روان، نه^{۱۰} حد او را نه
 ۱۲ نعمت دل را نبود کاسه و صحنی به جهان
 گفت ولد سیر درون دارد^{۱۱} سیری به سکون
 (حالت افندی، ص ۲۹۰)

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۱۰) آمده است. لازم به ذکر است که شماره ۵ و ۷، ضبط کاتب حالت افندی اشکال داشت که در متن اصلاح شده است:

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

- ۱- نفیسی: روی نمودست بما، جنت از آن ۶ - نفیسی: بخورد
 ۲ - نفیسی: سرمه شدستیم عمو ۷ - جن: ممکن
 ۳ - نفیسی: جان چو شد از هستی خود ۸ - نفیسی: هم سپر او
 ۴ - نفیسی: تا بنماید فن دل ۹ - نفیسی: دراو
 ۵- جن: از ۱۰ - نفیسی: نیست

۳-۳ ای نگار سرو قد ماه روی سیمتن: در نسخه حالت افندی دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است. بیت سوم چاپ نفیسی هم در سفینه حالت افندی نیامده است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
ای نگار سرو قد ماه روی سیمتن	۳۱۴	۹	۳۲۵	۱۰

- ای نگار سرو قد ماه روی سیمتن
 ابروان چون کمان را تا کشیدی بر رُخان
 ۳ دی خیالت در چمن می گفت با خوبان گل^۲
 گفتمش جانا چه حاجت تا بپرسی چون که تو
 ای نهاده سر به پایت هر طرف خوبان روم^۳
 ۶ گر چه اندر پیرهن باشی تو ای لعلین قبا
 کی توانم من گرفتن در کنارت بی غطا^۴
 بر من مسکین بی دل، رحم کن، وصلی نما
 ۹ روی خویت را ز من پنهان مکن ای رشک چین^۵
 در هوایت داده جان را این^۷ ولد تشریف ده
 در دو چشم شوخ مست، گشته حیران چشم من
 تیرها از کیش چشمت گشته بر دل غمزه زن^۱
 همچو من شیرین و خوبی دید چشمی در چمن؟
 آفرینی صد هزاران خوب اندر هر شکن
 و ای بمرده در هوایت جمله حوران^۸ ختن
 لطف اندام چو سیمت می دمد از پیرهن
 چون که تاب آن کنارت را ندارد این بدن
 از بُن و بیخیم چنین از تیغ هجران برمکن
 چون که بی تو من ندارم زندگی اندر زمن
 تا زند بر دف^۹ عشقت او ز شادی تن تن
 (حالت افندی، ص ۳۲۵)

* دو بیت اضافی که در نسخه حالت افندی آمده در زیرنویس نفیسی ذکر شده است. در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۱۴) آمده است:

- ۱- نفیسی: دیوان نفیسی بین بیت دوم و ۴ - نفیسی: خوبان
 سوم بیستی اضافه دارد: آن زنخدان چو ۵- نفیسی: در کنار خود تو را



سیب و لطف دندانها و لب / گویا لعلست ۶- نفیسی: رشگ حور

و مروارید رسته در دهن ۷- نفیسی: جان و دل

۲- نفیسی: باغ ۸- نفیسی: چنگ

۳- نفیسی: روم

۳-۴ جسمها را بین تو صف صف، مست اندر بحر جان: در نسخه حالت افندی

دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است؛ بیت نهم و دهم غزل.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
جسمها را بین تو صف صف مست اندر بحر جان	۱۵	۳۲۹	۱۳	۳۱۷

همچو کشتیها به سوی مصر دل گشته روان
و اندر او کشتی جانها می رود بی بادبان
کز یکی موج کمینش هست شد هفت آسمان
نیست گرداند فلک را تا نماند زو نشان
باز آن را از درونت می برد اندر زمان
هر نفس بر وی نگارد نقش نواز لامکان
از زن و مرد و امیر و از شه و از پاسبان
هم چنین این نقش ما را هم کند محو از جهان
و این دم این جا چون روانم اندر این صحن ای فلان
فعلها و قولها را جملگی از وی بدان
آن ز بادی دان که آمد اندر این گلشن وزان
تا نجنبند مرد زنده اندر آن جبه نهان
زین جهان پرغرور جان گداز بی امان
نیست نقشش را ثباتی، رو مکن تکیه بر آن
نقش عالم را رها کن تا بمانی جاودان
(حالت افندی، ص ۳۲۹)

جسمها را بین تو صف صف مست^۱ اندر بحر جان
بوالعجب دریا تو دیدی کان نیاید^۲ در نظر
یا رب آن دریای بی چون کی درآید^۳ در زمین
باز اگر دریا بخواهد^۴ از یکی موج دگر
نه که هر دم در درونت رأی دیگر می نهاد
تخته رمل است پیشش این جهان چون بنگری
گوهر برادر نقش های خلق پیشین و نما
نیستشان کرد از جهان و کرد ما را هست او^۵
۹ بنگر این دم چون بدم آن جا بر آن صُفّه به رقص
از دل آن را نیست کرد و چیز دگر هست کرد
گر بجنبد شاخ بیدی یا که برگی بر شجر^۶
۱۲ آستین و چاک^۱ دامن کی شود جنبان ز خود
نقشها صنع است در صانع گرو تا وارهی
صنعت و نقش جهان همچون زره بر آب جوست^۹
۱۵ ای ولد منگر جهان را بنگر اندر روی او

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۱۷) آمده است:

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱- نفیسی: جسمها صف صف زده | ۴- نفیسی: نخواهد |
| ۲- نفیسی: دریا نگر کان می نیاید | ۵- نفیسی: کو |
| ۳- نفیسی: چون بگنجد؛ جن: در متن | ۶- نفیسی: و نقش ما را کرد هست |
| کی درآید نوشته شده و روی آن | ۷- نفیسی: درخت |
| خط کشیده شده و در حاشیه | ۸- نفیسی: جیب و |
| اصلاح شده است: چون بگنجد. | ۹- نفیسی: بر آب دان |

۳-۵ ناز مکن ناز مکن، سوی جفا ساز مکن: در نسخه حالت افندی دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است؛ بیت هفتم و هشتم.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
ناز مکن ناز مکن، سوی جفا ساز مکن	۲۸۱	۱۳	۳۳۶	۱۵

- | | |
|---|---|
| ناز مکن ناز مکن، سوی جفا ساز مکن | گر تو ز مرغان دلی، بی من پرواز مکن |
| بند در جور ^۱ و جفا، قفل درش ^۲ را مگشا | جز که در لطف و وفا بهر مرا باز مکن |
| ۳ بر تو بنه بر بر من، تا بیری از بر من ^۳ | صلح به از جنگ بود، عریده آغاز مکن |
| بر لب من نه تو لبان، ^۴ تا شومت من بلبان ^۵ | جز که مرا ^۶ در دو جهان همدم و همراز مکن |
| قبله شدی قبله بده، بر رخ من روی بنه | در غم خود هیچ مرا با دگر ^۷ انباز مکن |
| ۶ بسکل ^۸ از غیر رهی، چون که مرا میر و شهی | خوار ^۹ خسی را ز کرم بیش تو ^{۱۰} اعزاز مکن |
| <u>چون رهت ای کان گرم سوی حجازست و حرم</u> | <u>راه خراسان تو مرو قصد به ابخاز مکن</u> |
| <u>چون که تو بومی ز ازل چند کنی بحث و جدل</u> | <u>پیش همایان به دغل صورت خود باز مکن</u> |
| ۹ بشنو از عیسی جان هر نفسی سر نهان | بهر خدا آنچه ^{۱۱} کند آن خری ^{۱۲} طنناز مکن |
| در دو جهان فرد منم، جمله ^{۱۳} زن و مرد منم | جز سوی من دیده خود جای دگر باز مکن |
| کاشف آن راز منم، در یم حق قاز منم | تا نبرد حق سر تو، قصد چنین قاز مکن |
| ۱۲ صاف شدم همچو هوا، رحمت حقم چو صبا | جز که مرا ^{۱۴} ای گل تر همدل و دمساز مکن |

قلب بود منکر ما، هین مکنش تو^{۱۵} رسوا
 رو تو بیاموز ز خور، بی قدحی باده بخور
 ۱۵ پند ولد را بشتو، از بر حق^{۱۹} دور مرو
 مهلت ده^{۱۶} نقد ورا، در دهن گاز مکن
 صنعت حق را تو بین^{۱۷}، دست به انگاز^{۱۸} مکن
 حق بدهد^{۲۰} گنج تو را، از دگران گاز^{۲۱} مکن
 (حالت افندی، ص ۳۳۶)

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه‌ی حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۸۱) آمده‌است:

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ - نفیسی: قهر | ۱۱ - نفیسی: هرچه |
| ۲ - نفیسی: غضب | ۱۲ - نفیسی: خر |
| ۳ - نفیسی: بر چو نهی بر بر من، بر | ۱۳ - نفیسی: روح |
| بیری از بر من | ۱۴ - نفیسی: غیر مرا |
| ۴ - نفیسی: زود بیوسم بلبان | ۱۵ - نفیسی: مکن او را |
| ۵ - نوعی ساز که به اشتراک لب و دست می‌نوازند. | ۱۶ - نفیسی: مهل ده آن |
| ۶ - نفیسی: غیر مرا | ۱۷ - نفیسی: را بنگر |
| ۷ - نفیسی: با کس | ۱۸ - نفیسی: انکاز. انگاز یعنی افزار |
| ۸ - نفیسی: برگسل | پیشه‌وران، دست‌افزار. |
| ۹ - نفیسی: خوار و | ۱۹ - نفیسی: او |
| ۱۰ - نفیسی: بیشتر | ۲۰ - نفیسی: او دهد آن |
| | ۲۱ - نفیسی: کاز |

۳-۶ سیر نمی شوم ز تو ای مه خوش لقای من: این غزل در نسخه‌ی حالت افندی هفت بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است. ابیاتی که زیر آنها خط کشیده شده ابیات اضافه شده‌است. مصراع نخست بیت آخر در نسخه‌ی حالت افندی افتادگی دارد و به این صورت نوشته شده‌است: «گر لر مها رسد در همه گوشها رسد». این بیت با توجه به نسخه‌ی ۵۵۲ دیوان سلطان ولد، که در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، خوانده و نوشته شد (نسخه ۵۵۲، برگ ۱۰۲). با توجه به نسخه‌ی ۵۵۲، که این بیت‌های اضافه را داشت، می‌توان نتیجه گرفت که این ابیات در چاپ سعید نفیسی افتاده‌است و علاوه بر جنگ حالت افندی، نسخه‌ی ۵۵۲ نیز وجود این ابیات را تأیید می‌کند.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه	تعداد بیت جن
سیر نمی شوم ز تو ای مه خوش لقای من	۳۲۲	۹	۳۴۶	۱۶

<p>سیر نمی شوم ز تو ای مه خوش لقای من گر نرسی تو بر سرم، جان بپرد ز پیکرم در دل من وفای تو، در سر من هوای تو عشق تو شد گناه من، جرم من و تباه من بر در او چو بر زمین آیم و بنهم این جبین از تگ عشق چون گوی، نیست مرا برون شوی می سپرم ره تو را، گشته سرم به جای پا آن دل همچو آهنت نرم نگشت بر منت عشق توام چنین زبون کرد و ز دیده ریخت خون سرو قد لطیف من، چست و کش و ظریف من پرسی ام ای نگار من کای ز جفا نزار من کم کنم از تو من جفا، وصل عطا دهم تو را گر [نرسی] مها رسد در همه گوش ها رسد بر سر چرخ هفتمین رفت و رسید این حنین خون مرا مریز تو، کم کن و کم ستیز تو گفت ولد که نه مرا کش که حلال خون تو</p>	<p>درد مرا بکن دوا، چون که تویی دوی من هین به خدا سپردمت تا^۲ چه کنی به جای من نالۀ من برای تو، چیست تو را برای من؟ می رسد ای تو ماه من، گر بدهی سزای من گویدم او به خشم و کین، دور شو از سرای من هر نفسم غم نویی ز آتش غم فزای من کم کن و کم تو این جفا ای بت بی وفای من آه که از فراق تو زود رسد فنای من پرس مرا ز لطف خود، چونی از این آجفای من؟ کی بشوی حریف من تا شنوی ثنای من عاشق زار زار من، گشته شیوه های من پیش بخوانمت بیا، تا رسد عطای من نالۀ بی شمار من، بانگ و فغان و وای من کوه گداخت بر زمین ز آتش این صدای من^۵ ز آن که طلب کند همی خون مرا خدای من^۶ ز آن که ز عشق بی بها داده ای خون بهای من^۷ (حالت افندی، ص ۳۴۶)</p>
---	--

* در ادامه تفاوت های ضبط و ازگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۲۲) آمده است:

- | | |
|--|---|
| <p>۱- نفیسی: مرا علاج کن
۲- نفیسی: چون همه لطفی و کرم بین
۳- نفیسی: مرا که چون شدی از ستم و
۴- در حالت افندی کلمه نرسی</p> | <p>۵- نفیسی: ز آتش وای وای من
۶- نفیسی: کم کن ازین
۷- نفیسی: سرمه عشق بیز تو لایق چشمهای من</p> |
|--|---|

افتاده‌است. این کلمه از نسخه دیوان ۸ - نفیسی: گفت ولد که نیست غم کشته سلطان ولد متعلق به کتابخانه حالت هجر اگر شدم/ زانکه ز وصل چون افندی به شماره ۵۵۲ در برگ ۱۰۱ ارم داده خون بهای من نقل شد.

۳-۷ در راه عشق اگر نه این دل بُدی روانه: در نسخه حالت افندی دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است. بیت پنجم و ششم به این غزل اضافه شده‌است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
در راه عشق اگر نه این دل بُدی روانه	۳۷۸	۷	۳۵۵	۹

در راه عشق اگر نه این دل بُدی روانه
تا او ز خود نُمردی، و از عشق بو نبردی
۳ تا او نبردی، رو آن طرف نکردی
زین سان که بحر عشقت در دل بکرد^۱ جوشش
زین عشق اگر گریزی و بر برگ خود نریزی
۶ دل هست همچو عالم، تن خانه‌ای نهاده
جز عشق هیچ مگزین، این است راه حق، بین
بگذر ز هر چه گفتی، گر چه چو گل شکفتی
۹ در دیر عشق بنشین، روی نگار می‌بین
چون جو کجا رسیدی در بحر بی‌کرانه؟
این جان کجا رسیدی در دلبر یگانه
همچون هدف بلا را هرگز شدی نشانه؟
عالم بگیرد آتش هر سو زند زبانه
آن جات عذر باشد یا ماندت بهانه
چون سیل بُرد عالم، بر جا چه ماند؟ خانه!
عشقش به‌کار آید، باقی همه فسانه
چون دست از این بستی^۳، بی قول گو ترانه
در کش ولد چو رندان ز آن باده مُغانه
(حالت افندی، ص ۳۵۵)

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۷۸) آمده‌است:

۱ - نفیسی: گر

۲ - نفیسی: بحر عشقش در سینه کرد

۳ - نفیسی: از خود چو دست شستی

۳-۸ مرا بین که چونم ز عشق نگاری: بیت ششم و بیت هشتم تا دهم در چاپ نفیسی نبوده و از سفینه حالت افندی به غزل اضافه شده‌است.

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
مرا بین که چونم ز عشق نگاری	۴۳۳	۷	۳۷۳	۱۱

مرا بین که چونم ز عشق نگاری
 ز تیر دو چشم و کمان دو ابرو
 ۳ ز روی گلستان روا باشد ای جان
 از او چون ندارم امید وصالش
 کناری از آن بر چو در بر ندارم
 ۶ خزان فراقش در این دی کشیدم
 بریدم ز یاران و از خان و از مان
شراب وصال مگر از تو ساقی
 ۹ خیالت خرامان مرا گشت جویان
چه می جوید از من دگر آن خیالت
 ولد هست عشقش تو را باغ و گلشن
 (حالت افندی، ص ۳۷۳)

۳-۹ هله‌ای یار نکورو به حق یاری و مردی: بیت سوم و بیت دهم تا دوازدهم در

چاپ سعید نفیسی نیامده‌است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
هله‌ای یار نکورو به حق یاری و مردی	۴۲۶	۹	۳۷۵	۱۳

هله‌ای یار نکورو به حق یاری و مردی
 تو مرا جان و جهانی، چو ز دل یار و مُجَبّی
 ۳ نَخْرَم هیچ هنر را، نستانم ز تو زر را
 ز غَرْض پاک چو گردی، ز چو من یار نگردی
 چو ملولی ز بیانم، سخنم بست دهانم
 ۶ به من ار یار شوی تو، سوی انوار روی تو
 چو بهاران خور می راه، چه کنی سردی دی را؟
 نبری سود ز من تا ز کژی راست نگردی
 و اگر باشی منافع^۱ مثل دیو تو سردی
چو خودم خواهم عاشق که بود مست ز دردی
 رخ خور تیره از آن شد که تو در پرده گردی
 مگر از گفتن نَظَم تو به رنجی و به دردی؟^۲
 خوری از خوان من آن را که همه عمر نخوردی
 بی می‌ای زاهد چون دی، تو از آن خشکی و زردی^۳



۹ تو بیا عارف عاشق که شدت باده موافق
 ز چه بر بام^۵ فلک تو، نروی همچو ملک تو
 تو بگو عاشق صادق که چه دیدی و گزیدی؟
 تو در آن مجلس بی چون چه شنیدی و چه گفتی؟
 ۱۲ تو در آن مجلس و منزل پس از این عیش همی کن
 تو ولد رندِ غریبی، نه بعیدی نه قریبی
 که از این^۴ باده باقی تو در این باغ چو وردی
 ز چه این صحن زمین را تو به گامی ننوردی؟^۶
 که همه کون و مکان را به یکی جو نشمردی
 تو از آن مخزن شاهی چه کشیدی و چه بُردی؟
 چو به مردی ره حق را به سلامت بسپردی
 دو جهان جفت مرادند، چرا^۷ طاقی و فردی؟
 (حالت افندی، ص ۳۷۵)

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۴۳۳) آمده است:

- ۱- نفیسی: وگرت هست نفاقی (از نظر وزن ضبط نفیسی بهتر است)
 ۲- در چاپ نفیسی این بیت، سوم است.
 ۳- نفیسی: هله‌ای زاهد منگر ز چه رو خسته و زردی

۱۰-۳ امروز ز تن ای دل در عالم جان رفتی: در نسخه حالت افندی چهار بیت بیشتر آمده است که دیوان چاپی ندارد؛ اما بیت تخلصی که در چاپ نفیسی است در سفینه نیامده است. بیت دوازدهم تا پانزدهم اضافه شده است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
امروز ز تن ای دل در عالم جان رفتی	۳۹۸	۱۳	۳۷۶	۱۵

امروز ز تن ای دل در عالم جان رفتی
 امروز قوی مستی، امروز از آن دستی
 ۳ امروز نمی‌دانم چه شنیدی و چه دیدی
 گویی که به خود جانان، خوانده‌ست تو را پنهان
 ای گوهر بی همتا، در ساحل تن تنها
 ۶ از دوزخ تن رستی، وز جوی خطر جستی
 امروز نه‌ای با خود، بیرون ز جهان رفتی
 امروز سوی رندان با رطل گران رفتی
 کز چرخ و زمین بیرون تو چرخ‌زنان رفتی
 تا بخشدت او درمان، بر^۱ درد از آن رفتی
 موجیت کشید آن‌جا، در بحر عُمان رفتی
 با دوست تو پیوستی^۲، در صدر چنان رفتی

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

- در صورت اگر رندی، سرمایه هر زهدی
 ای عشق چه زیبایی، چه شکر و حلوایی!
 ۹ نزدیکتری با من، یا رب ز رگ گردن
 از غایت خوش خوبی، ما را تو همی جویی^۶
 آهسته چو زد گامی در راه تو هر خامی
 ۱۲ د ف می زن ای شیرین، بر کوری هر بی دین
خوش دست بز ن شادان، می کوب تو پا رقصان
از گله نگر دی گم، ای قوچ مبارک سُم
 ۱۵ راضی شد مولانا چون تو به ولد جاننا
 خوش باد ابد وقت چون پیش خوشان رفتی
 تا همچو که عقل و جان اندر همگان^۳ رفتی
 در پوست و تن و پنهان^۴ چون خون تو روان رفتی^۵
 از لطف به دلها چون آب حیوان رفتی
 از رحمت پیش او اشتاب^۷ دوان رفتی^۸
در حضرت مولانا چون طفل جوان رفتی
کز راه عراق ای جان اندر همدان رفتی
چون زین رمه گرگان در ظل شبان رفتی
در شهر زنان د ف را کوبان به فغان رفتی

(حالت افندی، ص ۳۷۶)

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۹۸) آمده است:

- ۱- نفیسی: پُر
 ۲- نفیسی: با دوست بیوستی
 ۳- نفیسی: در خلق نهان
 ۴- نفیسی: بل در پی و در رگها
 ۵- نفیسی: بعد از این بیت، بیت دیگری در چاپ نفیسی آمده است:
 آن تن که ندارد جان، کی بیند او
 جانان/ و آنکو بودش چشمان، بیند
 که عیان رفتی
- ۶- نفیسی: ما را تو بجان جوئی
 ۷- نفیسی: تو پیش وی از رحمت تازان و
 ۸- نفیسی: یک بیت به عنوان بیت تخلص پس از این بیت در پایان غزل آمده است: گوید ولد آن سلطان، دارد صفت رحمان/ گردی چو بهار از وی، گرچه چو خزان رفتی)

۱۱-۳ در برم وصل یار بایستی: در نسخه حالت افندی پنج بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است.

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
در برم وصل یار بایستی	۴۴۰	۱۳	۳۸۴	۱۸

در بَرَم وصل یار بایستی یا دَلَم را قَرار بایستی



۳	چون خزانم ز هجر او ریزان خار غم‌هاش بس ^۱ بخست ^۲ مرا یا کنار از کنار ^۳ چاره شدی بودم از وصل یار ^۴ من شادان	و وصل آن نوبهار بایستی چهره گل عذار بایستی یا غمش را کنار بایستی سالم اکنون چو پار بایستی
۶	سست عهداست روزگار، دریغ در چنین باغ و جویبار روان زردمان کرده غصه دوران چون که مخمور ^۵ خمر دوشینم	عهد او استوار بایستی در کف من عفار بایستی می سرخ گوار بایستی خمر از او بی خمار بایستی
۹	چون که وصلش به نیک بخت رسد ^۶ <u>پیش آن زلف عنبرین تو مگو</u>	بخت نیکم به کار بایستی <u>ناف مشک تبار بایستی</u>
۱۲	<u>پیش این سرو هم میار به دل</u> <u>این چنین گو که از چنان دلبر</u> <u>از انار و برد دو پستانش</u>	<u>که درختم چنار بایستی</u> <u>شاخ جانم به بار بایستی</u> <u>سینه‌ام پر انار بایستی</u>
۱۵	چند من بشمرم جفای ورا در چنین مرغزار پر آهو همچو اشتر ولد چو مست شود <u>هم بر این وزن گفت مولانا</u>	لطف از او بی شمار بایستی شیر من در شکار بایستی سوی وصلش مهار بایستی در غم یار یار بایستی

* بیت آخر را نفیسی در زیرنویس آورده است. در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۴۴۰) آمده است:

- ۱- نفیسی: خار غم‌های او
- ۲- جن: بنخاست
- ۳- نفیسی: کنار
- ۴- نفیسی: از یار پار
- ۵- نفیسی: زرد گشتم ز
- ۶- نفیسی: رسید

۱۲-۳ ای کور نمی بینی که آمد شه بینایی: در نسخه حالت افندی دو بیت بیشتر دارد که از دیوان چاپی حذف شده است.

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

مطلع	صفحه نفیسی	تعداد بیت نفیسی	صفحه جن	تعداد بیت جن
ای کور نمی بینی که آمد شه بینایی	۳۹۴	۱۰	۳۸۸	۱۲

<p>۱ ای کور نمی بینی که آمد شه بینایی ای مور حذر می کن از سم^۱ سلیمانی ۲ ای غافل افسرده، زهراب منی خورده چون خر تو^۳ در این پستی تا چند کنی مستی در صورت یک ذره پیدا شد خورشیدی ۶ گر بخت بود بینی او را و تو^۶ بگزینی خواهی که پوشانی مه را تو^۷ به پیشانی بخشیدش حق میری، گر سر نهی میری ۹ بر اسب فلک تازد، گوی او به ملک باز <u>گر خندد و گر گرید، گر درد و گر دوزد</u> <u>گو کار دگر دارد، گو بار دگر دارد</u> ۱۲ بگذر ولد از ساحل، شو پاک تو کل از گل</p>	<p>و ای زال نمی ترسی از رستم برنایی و ای جغد بشو مسکین^۲ در پنجه عنقایی کی بوی برد جاننت از عاشق شیدایی می نوش تو از عیسی می هاش ز بالای^۴ در کسوه یکی قطره پنهان شد^۵ دریایی ور نه چه غمش باشد، تا کم بود اعمایی او خود نشود پنهان درتابد هر جایی منشور ورا بنگر بی سرخی و طغرای از حضرت حق تازد^۸ هر دم چو مسیحایی <u>بر وی تو منه دستی، با وی تو مکش پای</u> <u>با یار دگر دارد هر لحظه تماشایی</u> چون موج زنان سوزد^۹ آن بحر ز مینایی (حالت افندی، ص ۳۸۸)</p>
---	--

* در ادامه تفاوت‌های ضبط واژگان در نسخه حالت افندی و چاپ سعید نفیسی (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۹۴) آمده است:

- ۱- نفیسی: جیش
- ۲- نفیسی: چغد مباحش ایمن
- ۳- نفیسی: از جهل
- ۴- نفیسی: گر عاقلی از بالا، درکش گیرائی
- ۵- نفیسی: کسوت یک قطره، سر بر زد
- ۶- نفیسی: او را تو و
- ۷- نفیسی: پوشانی خورشید
- ۸- نفیسی: نازد
- ۹- نفیسی: سر زد

۴. تصحیف ک / گ:

در چاپ سعید نفیسی به کار بردن «ک» و «گ» مشوش است. گاهی باید سرکش را



به کار می‌برده و نبرده و گاهی به آن نیازی نبوده و با به‌کاربردنش خواننده گمراه شده‌است. بنابراین تصحیف «ک» و «گ» یکی از مشکلات دیوان سلطان ولد است که نمونه‌هایی از آن در ادامه خواهد آمد:

۱-۴ غزل ۵۱۵ سلطان ولد در چاپ سعید نفیسی با مطلع (دلبر من، دلبر من آمد بر من) بیتی دارد که این گونه ضبط شده‌است:

گوید سیمرخ گرم هر که نژاد از شکم سوی که قاف ابد کی شود او هم‌پر من
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۸۴)

معنی بیت با توجه به چاپ سعید نفیسی بسامان نیست. از لحاظ نحوی و معنایی بیت اشکال دارد و ضبط «گرم» در این بیت نادرست می‌نماید. اگر «سیمرخ گرم» بخوانیم چنانکه در نسخ نیز به همین شکل است و معلوم است که مصحح به اشتباه ک را گ نوشته‌است، معنی و نحو بیت بسامان خواهد شد؛ یعنی

گوید سیمرخ گرم هر که نژاد از شکم سوی که قاف ابد کی شود او هم‌پر من
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ص ۲۸۴)

ترکیب «سیمرخ گرم» در دیوان دیگر شاعران نیز بی‌سابقه نیست؛ هم خاقانی و هم مجیر بیلقانی این ترکیب وصفی را به کار برده‌اند:

گرچه سیمرخ گرم زاین پیش بی گم کرده‌بود اینک او را بر در شه آشیان آمد پدید
(بیلقانی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۷)

۲-۴ بیت ۱۳، غزل ۱۹۶ چاپ سعید نفیسی با مطلع «رویت چو قمر، چه شگری تو» اشکال دارد. بیت ۱۲ و ۱۳ در چاپ سعید نفیسی به این صورت است:

دارم لب خشک در فراق تو با دیده‌تَر، چه شگری تو
از عشق تو تن ز جان برآمد در بوک و مکر، چه شگری تو
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۷۴)

بوک و مگر اصطلاحی است که در دیوان شمس هم زیاد به کار می‌رود. به نظر می‌رسد به اشتباه «مگر» را «مکر» نوشته‌است؛ پس شکل درست این گونه است:

از عشق تو تن ز جان برآمد در بوک و مگر، چه شگری تو
(همان)

۳-۴ بیت ۷، غزل ۱۷۵ چاپ سعید نفیسی با مطلع «چون خرس چه می‌رقصی از جهل

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

در این میدان « اشکال دارد. بیت ۷ در چاپ سعید نفیسی به این شکل است:
ای زاده ز خاک و گو در زیر زمین می‌رو کو زاده ز چرخ آمد، بالاست چه مه رخشان
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۳۰۴)

ضبط جنگ حالت افندی در مصراع دوم «چو مه» درست است و مصراع نخست
«گو» به معنی گودال و پستی است و ضبط «کو» در چاپ سعید نفیسی نادرست است؛
پس بیت چنین می‌شود:

ای زاده ز خاک و گو در زیر زمین می‌رو کو زاده ز چرخ آمد، بالاست چو مه رخشان
(همان)

از طرف دیگر «گو» و «رو» قافیه درونی دارد.

۴-۴ بیت ۱۴ و ۱۵، غزل ۵۱۰ چاپ نفیسی با مطلع «ناز مکن، ناز مکن، سوی جفا
ساز مکن» تصحیف «ک» و «گ» دارد. این ابیات در چاپ نفیسی چنین است:

رو تو بیاموز ز خور، بی قدحی باده بخور صنعت حق را بنگر، دست بانگاز مکن
پند ولد را بشنو، از بر او دور مرو او دهد آن گنج تو را، از دگران کاز مکن
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۸۱)

چنانکه پیشتر نیز این غزل نقل شد، علاوه بر تفاوت‌های ضبط کلمات در قافیه هر دو
بیت تصحیف اتفاق افتاده است. انگاز در لغتنامه به معنی سپری کردن آب چاه است که
در این بیت مفید معنی نیست؛ اما انگاز به معنای افزار پیشه‌وران و دست‌افزار آمده‌است.
مولوی نیز این کلمه را در همین معنی به کار برده‌است:

گرم در آ گرم که آن گرم‌دار صنعت نو دارد و انگاز نو
(مولوی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۹۱)
او کمند انداخت و ما را برکشید ما به دست صانع انگاز آمدیم
(همان، ج ۴، ۲۸)

در بیت ۱۳ این غزل چنین آمده‌است:

قلب بود منکر ما، هین مکن او را رسوا مهل ده آن نقد ورا، در دهن گاز مکن
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۸۱)

به نظر می‌رسد مصحح تنها خواسته است برای رهایی از تکرار قافیه، قافیه بیت ۱۵
را به «کاز» تبدیل کند؛ درحالی که تقابل «گنج» و «گاز» در اشعار شاعران فراوانی از
جمله مولوی، مسلم و انکارناپذیر است. در غزلیات مولوی آمده‌است:

گنج بلانهایتی سکه کجاست گنج را صورت سکه گر کنی آن پی گاز می کنی

(مولوی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۲۱۴)

مصحح به این نکته توجه نکرده که سلطان ولد از جمله شاعرانی است که همچون پدرش به پرهیز از تکرار قافیه اعتنایی ندارد و در بند رعایت این نکات بلاغی نیست؛ چنانکه در همین غزل قافیه بیت ۲ و ۱۰ «باز» است و در یک معنی به کار رفته است. بنابراین ابیات مذکور باید چنین باشد:

رو تو بیاموز ز خور، بی قدحی باده بخور صنعت حق را تو ببین، دست به انگاز مکن
پند ولد را بشنو، از بر حق دور مرو حق بدهد گنج تو را، از دگران گاز مکن

(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ص ۲۸۱)

۴-۵ بیت ۳، غزل ۲۷۶ چاپ نفیسی با مطلع «دایم هستم سوار بر سر تازی عشق»

تصحیف «ک» و «گ» دارد. این بیت در چاپ نفیسی چنین است:

ای شه شطرنج باز بر سر نطع نیاز هر دو جهان کم شود، از یک بازی عشق

(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۲۰۶)

جالب است که در نسخه خطی شماره ۵۶۰ چنین آمده است: «هر دو جهان گم شود از یک باز عشق» و ضمه‌ای که بر روی کاف گذاشته شده است نشان می‌دهد که ضبط درست «گم» است نه کم (نسخه خطی شماره ۵۶۰، ص ۴۳).

۵. سهوهای در تصحیح

۵-۱ بیت آخر غزل ۲۹۱ چاپ نفیسی با مطلع «چرخ زنان در سماع رقص کن ای خوش

پسر» چنین آمده است:

بند لبان ای ولد، محو شود اندر احد وقت سماع است و رقص، زاین غزل اندر گذر

(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۱۶۰)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وزن بیت نخست در دیوان سلطان ولد، چاپ سعید نفیسی اشکال دارد و علاوه بر آن معنی بیت نیز بسامان نیست. با توجه به ضبط این بیت در نسخه ۵۵۲ اشکال وزنی و معنایی بیت از بین می‌رود و بیت این‌گونه سامان می‌یابد:

بند لبان ای ولد، محو شو اندر احد وقت سماع است و رقص، زاین غزل اندر گذر

(نسخه خطی شماره ۵۵۲، ص ۴۲)

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی

۲-۵ سه بیت نخست غزل ۲۷۳ براساس دیوان سلطان ولد، چاپ سعید نفیسی چنین است:

سردی شهوات رفت، گرمی پاکان رسید
دیو لعین گشته شد، رحمت رحمان رسید
مجلس روحانیان، پاک شد از جانیان
چون ز خدا در درون، لطف فراوان رسید
کور شد ابلیس تن، کوست به معنی چو زن
نور پذیرفت چشم، کو بر ایمان رسید
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۱۵۰)

اما بیت دوم این غزل در نسخه معتبر ۵۵۲، که ضبط آن در بسیاری از موارد برتری دارد، این چنین است:

مجلس مردان حق شد ز زنان صاف و پاک
چون ز خدا در درون لطف فراوان رسید
(نسخه خطی شماره ۵۵۲، ص ۲۴)

با توجه به ارتباط مفاهیم در غزل و تکرار کلمه زن در بیت سوم، ضبط بیت دوم در نسخه ۵۵۲ برتری دارد؛ گویی مصحح دیوان سلطان ولد با آوردن «مجلس روحانیان پاک شد از جانیان» در متن به جای «مجلس مردان حق شد ز زنان صاف و پاک» و اشاره نکردن به ضبط نسخه ۵۵۲ حتی در نسخه بدلها قصد دارد، دیدگاه سلطان ولد را نسبت به زنان متعادلتر نشان دهد و از نظر فرهنگی این نوع نگاه به زن را از دیوان او بسترده.

۳-۵ بیت هشتم از غزل ۱۹۱ چاپ نفیسی با مطلع «قطره به دریا رسید، باز به ساحل برفت» اشکال دارد. برای روشن شدن مفهوم بیت هفتم و هشتم هر دو آورده خواهد شد:

عشق خدا باقی است غیر خدا فانی است
از مه و خور چون خلیل بگذر کافل برفت
خواست شدن کار او، همچو گل آن خار
صبر نکرد این طرف، واپس عاجل برفت
(سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۱۰۸)

از بیت هشتم با توجه به چاپ سعید نفیسی معنی ای بسامانی به دست نمی آید؛ اما با توجه به ضبط نسخه ۵۶۰ اشکال این بیت برطرف می شود:

خواست شدن کار او، همچو گل از خار او
صبر نکرد این طرف، واپس عاجل برفت
(نسخه خطی شماره ۵۶۰، ص ۳۵)

نتیجه گیری

بحق سلطان ولد یکی از پیروان راستین و موفق مولوی است. دیوان غزلیات او مشحون

از غزل‌های ناب‌ی است که اگر نام سلطان ولد از تخلص آن سترده‌شود، خواننده، آن غزلها را از مولوی خواهد دانست. لحظه‌های ناب شاعرانه و درخشش بی‌نظیر سلطان ولد او را خلف راستین مولانا کرده‌است. در بختیاری سلطان ولد همین بس که پدری چون مولوی او را پرورده و تربیت کرده‌است؛ اما جای تأسف دارد که او چنان در سایه این آفتاب رنگ باخته‌است که هنوز تصحیح قابل اعتمادی از دیوان او در دست نیست. همان‌طور که در مقدمه آمد، سعید نفیسی چاپ اصغر ربانی را در ایران حروف چینی و چاپ کرده و ربانی نیز بنا بر گفته خودش تصحیح نویی ارائه نکرده و خود نیز از روی چاپی که در اسلامبول بوده، رونویسی کرده‌است. نه ربانی و نه نفیسی در مورد نسخ سلطان ولد توضیحی نمی‌دهند و هیچ کدام دیوان را تصحیح نکرده‌اند. تصحیح دوباره دیوان، راه را برای علاقه‌مندان به ادبیات بیش از پیش روشن خواهد کرد. در این مقاله پاره‌ای از این اشکالها را برشمردیم؛ اگر چه مثنی است نشانگر خروار. دو غزل در این مقاله آمد که تا به حال در هیچ جایی به عنوان غزل سلطان ولد نیامده‌است. علت افتادن این غزلها از دیوان سلطان ولد این است که هم مولوی و هم سلطان ولد غزل‌های فراوانی دارند که مطلع غزلها یکسان است؛ اما بقیه ابیات متفاوت است؛ لذا دو غزل جداگانه به‌شمار می‌آید. هم‌چنین سلطان ولد گاه بیت مطلع مولوی را تضمین کرده‌است و خود غزلی نو سروده‌است که مثال آن در مقاله ذکر شد. ابیاتی نو یافته ارائه شد که از چاپ سعید نفیسی افتاده بود و هم‌چنین ضبط بساماتری از دوازده بیت سلطان ولد ارائه شد که در دیوان چاپی از لحاظ معنا و در بعضی موارد از لحاظ وزن پریشان و نابسامان بود. این اشاره‌ها همه حاصل بررسی سفینه حالت افندی و نسخ خطی معتبر دیوان سلطان ولد است. سفینه حالت افندی شامل ۲۵۲ غزل از سلطان ولد است. این نسخه از نظر اصالت و قدمت بسیار حائز اهمیت است. در ترقیمه این سفینه آمده‌است که در سال ۷۱۷ کتابت شده‌است؛ یعنی پنج سال بعد از وفات سلطان ولد و خط نسخ روشن و جلی آن کار را برای خواندن درست بیتها فراهم می‌کند. علاوه بر این سفینه دو نسخه خطی معتبر از دیوان سلطان ولد به شماره ۵۵۲ و ۵۶۰ در دست است که ضبط این دو نسخه با دیوان چاپی سلطان ولد در موارد متعدد اختلاف دارد. معرفی نکردن نسخ در مقدمه سعید نفیسی و افتادن غزلها و ابیات متعدد و اشکال در وزن و معنای پاره‌ای از غزلها، همگی ضرورت تصحیح دوباره دیوان سلطان ولد را آشکار می‌گرداند.

نکاتی نویافته درباره اشعار سلطان ولد با تکیه بر جنگ حالت افندی
نگارندگان با برشمردن نمونه‌ها و مثالهایی از هرکدام از این اشکالها این امر را بیش از
پیش یادآور شده‌اند.

پی‌نوشت

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد غزلهای ترکی و یونانی مولوی نگاه کنید به مقاله خلیلی جهرمی، الهام،
رزمجو بختیاری، شیرین و نیری، محمد یوسف به نام «بررسی نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی اشعار
ترکی مولانا» در مجله آینه میراث، دوره ۱۳، ش ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۷ تا ۷۶ و مقاله
«اشعار یونانی در دیوان کبیر مولوی» در مجله ادب فارسی دانشگاه تهران، دوره ۳، ش ۱، تابستان
۱۳۹۲، ص ۲۱ تا ۵۸.

منابع

آقاخان پورسرخاب، مجید؛ «رمزگشایی از یک نسخه خطی»؛ ش ۶، ش ۳، ص ۱۳۸۷، ص
۲۰۵-۲۵۷.

افلاکی العارفی، شمس‌الدین احمد؛ *مناقب العارفین*؛ تصحیحات و حواشی و تعلیقات به
کوشش تحسین یازجی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵.

بهاء‌الدین محمد ابن جلال‌الدین (سلطان‌ولد)؛ *ولدنامه*؛ تصحیح و مقدمه جلال همایی،
تهران: چاپخانه اقبال، ۱۳۱۶.

بیلقانی، مجیر؛ *دیوان مجیر بیلقانی*؛ تصحیح و تعلیق محمدآبادی، دانشگاه تبریز؛
انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۸۵.

خلیلی جهرمی، الهام، رزمجو بختیاری، شیرین و نیری، محمد یوسف؛ «بررسی نسخه‌شناسی و
سبک‌شناسی اشعار ترکی مولانا»؛ *مجله آینه میراث*، ش ۱۳، ش ۵۶، ۱۳۹۴؛ ص ۴۷-۷۶.

دی لوئیس، فرانکلین؛ *مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب*؛ ترجمه حسن لاهوتی، تهران:
نشر نامک، ۱۳۸۵.

سپهسالار، فریدون ابن احمد؛ *رساله سپهسالار در مناقب حضرت خداوندگار*؛
مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد افشین‌وفایی، تهران: سخن، ۱۳۸۷.

سلطان ولد؛ *دیوان سلطان ولد*؛ به کوشش سعید نفیسی، تهران: انتشارات کتاب
فروشی رودکی، ۱۳۳۸.

شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ «ویژگیهای عروضی دیوان سلطان ولد»؛ *مجله دانشکده ادبیات و
علوم انسانی تهران*، ش ۱۶، ش ۶۲، ۱۳۸۷؛ ص ۷-۱۵.

فروزانفر، بدیع‌الزمان؛ *شرح زندگانی مولوی*؛ تهران: تیرگان، ۱۳۸۰.



_____؛ **دیوان کبیر**؛ تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

موسوی مصطفی، ریحانه حجت الاسلامی؛ «سلطان ولد و خلافت او پس از مولانا»؛ **مجله مطالعات عرفانی**، ش ۱۲، ۱۳۸۹؛ ص ۲۰۱-۲۲۶.

نیری، محمد یوسف، رزمجو بختیاری، شیرین و خلیلی جهرمی، الهام؛ «اشعار یونانی در دیوان کبیر مولوی»؛ **مجله ادب فارسی دانشگاه تهران**، س ۳، ش ۱، ۱۳۹۲؛ ص ۲۱-۴۰.

واثقی، داوود، ملک ثابت، مهدی و کهدویی، محمد کاظم؛ «پژوهشی در مهمترین مفاهیم عرفانی معارف سلطان ولد با نگاهی به اندیشه‌های مولوی»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی**، س ۱۳۹۵، ص ۱۴۷-۱۷۱.

حالت افندی؛ **جنگی است شامل اشعار مولانا و سلطان ولد**؛ نگهداری شده در کتابخانه حالت افندی، فیلم ۵۵۸ دانشگاه تهران، مورخ ۷۱۷.

حالت افندی؛ **دیوان سلطان ولد**؛ نگهداری شده در کتابخانه حالت افندی، فیلم ۵۵۲ دانشگاه تهران، متعلق به زمان حیات شاعر (بنابر یادداشت استاد مجتبی مینوی بر صفحه اول نسخه).

نسخه خطی دیوان سلطان ولد به شماره ۵۵۲؛ نگهداری شده در کتابخانه دانشگاه تهران، مورخ ۷۲۲.

نسخه خطی دیوان سلطان ولد به شماره ۵۶۰؛ نگهداری شده در کتابخانه دانشگاه تهران، کتابت شده در تاریخ حیات شاعر.